حرف‌های ناخواسته برادرزاده حین نشئگی انگیزه آدم‌ربایی

شرق: آدم‌ربایانِ مردی ثروتمند که در نقشه‌ای پیچیده دزدیده شده و مورد آزاروااذیت قرار گرفته بود، از سوی مأموران پلیس بازداشت شده و اعتراف کردند در حالت نشئگی از برادرزاده قربانی اطلاعات گرفته‌اند.

در اولین ساعات کاری روز چهارم شهریور امسال، مردی با مراجعه به کلانتری ۱۶۴ قائم از ربوده‌شدن برادرش از سوی دو مرد نقاب‌دار خبر می‌دهد و می‌گوید: برادرم در حوالی نوبنیاد سکونت دارد و هرروز بین ساعت سه تا پنج صبح به محل کارش در بازار میوه‌وتره‌بار تهران می‌رفته است، اما امروز بعد از ساعت معمول هرروز به محل کارش نرفته، به‌همین‌دلیل شاگردش نگران شده و بارها به او زنگ زده، اما کسی تلفن همراه او را جواب نداده است. بعد از آن شاگرد برادرم به‌خاطر بی‌سابقه‌بودن این رفتار نگران شد و من را در جریان قرار داد. من هم چندبار به او زنگ زدم و دست‌آخر هم همان صبح زود به خانه او رفتم و سرایدار ساختمان را بیدار کردم تا ببینیم چه کاری می‌توان کرد. بعد از بیدارشدن سرایدار، تصاویر دوربین‌های مداربسته را چک کردیم و دیدم که برادرم شب قبل به خانه آمده و صبح هم ساعت ۴:۳۰ از خانه‌اش خارج شده است، اما در پارکینگ خانه خودش مورد حمله دو نفر که صورتشان را پوشانده بودند قرار گرفته و آنها برادرم را به‌زور سوار ماشین خودش که یک بنز مدل‌بالاست کرده‌اند و بعد از آن هم از او خبر نداریم.

با طرح این شکایت از سوی مرد میان‌سال، پرونده‌ای با موضوع آدم‌ربایی باز شد و مأموران پلیس آگاهی تهران نیز در جریان موضوع قرار گرفتند. پس از آن، فیلم موجود مورد بازبینی قرار گرفت، ولی با توجه به اینکه مهاجمان صورت خود را پوشانده بودند، سرنخی که به دستگیری آنها کمک کند به دست نیامد. این در حالی بود که حدود ظهر همان روز آدم‌ربایان با موبایل مرد ربوده‌شده به برادر او زنگ زدند و تقاضای پول کردند و در ادامه نیز با وکیل مرد ربوده‌شده تماس گرفتند و با تهدید اعلام کردند که آنها باید مبلغ درخواستی را فراهم کنند و در غیراین‌صورت اتفاق بدی رخ خواهد داد.

در پی این اقدام، تحقیقات برای شناسایی محل اختفای آدم‌ربایان ادامه داشت تا اینکه آنها چندساعت بعد از تماس تهدیدآمیز، بار دیگر تماس می‌گیرند و می‌گویند که گروگان خود را در حوالی میدان فاطمی رها کرده‌اند. پس از این تماس، برادر فرد ربوده‌شده پس از هماهنگی با پلیس و اورژانس به محلی که آدم‌ربایان اعلام کرده بودند رفتند و او را در خودروی خودش با دست و پا و چشمانی بسته یافتند.

پس از آن مرد ربوده‌شده به‌خاطر صدماتی که از بدرفتاری آدم‌ربایان دیده بود به بیمارستان منتقل شد.

مرد ربوده‌شده پس از بهبود نسبی مورد تحقیق قرار گرفت تا شاید بتواند سرنخی برای دستگیری ربایندگان خودش به پلیس بدهد. او درباره نحوه ربوده‌شدن خود گفت: من آن روز هم مثل همیشه قصد رفتن به سر کار را داشتم. من در بازار میوه و تره‌بار کار می‌کنم. بعد از بیرون‌آمدن از آپارتمان همه‌چیز عادی بود، اما زمانی که با آسانسور به پارکینگ رفتم و قصد سوارشدن به خودروی خودم را داشتم، ناگهان دو نفر که صورتشان را پوشانده بودند، با چوب و چاقو به من حمله کردند و دست، پا و دهان من را بستند و بعد من را در کف ماشین خودم انداختند. قبل از حرکت هم با این تصمیم که من را بیهوش کنند یک آمپول به من زدند، اما آمپول اثر نکرد و فقط کمی گیج شدم و حالت تهوع به من دست داد. مرد ربوده‌شده در مورد جایی که او را برده بودند اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: چون چشم‌هایم را بسته بودند و کف ماشین انداخته بودند متوجه نشدم من را کجا بردند.

اما در گفته‌های مرد ربوده‌شده مشخص شد آدم‌ربایان از زمان خروج او و همچنین مقدار موجودی حساب او به‌طور دقیق اطلاع داشته‌اند، چون زمانی که او را به مخفیگاه خود برده‌اند و او مدعی شده است در حسابش پولی ندارد، آنها با جزئیات درباره موجودی حساب‌های مختلفش با او صحبت کرده‌اند، به‌همین‌دلیل او مجبور شده است عابربانک‌ها و رمز کارت‌هایش را در اختیار ربایندگان قرار دهد.

او همچنین درباره تعداد آدم‌ربایان گفت: وقتی من را دزدیدند، دو نفر مرد بودند؛ حدود ظهر بود که در مخفیگاهشان یک زن نیز به آنها پیوست و او بود که کارت‌های عابربانک و رمزش را از من گرفت تا با آن طلا و دلار بخرد. آنها بعد از اینکه سعی کردند پول‌ها را از حسابم بیرون بکشند، متوجه شدند حساب‌ها مسدود شده است و بعد متوجه شدم برادرم به‌محض اینکه فهمیده است من را دزدیده‌اند، حساب‌هایم را مسدود کرده است؛ فقط مبلغی حدود صد میلیون که در یکی از کارت‌ها بوده نصیب آنها شده است. با به‌دست‌آمدن این اطلاعات، احتمال دخالت یک فرد آشنا در این آدم‌ربایی به عنوان یکی از فرضیات قوی مورد بررسی قرار گرفت. زمانی که این اطلاعات با برادر مرد ربوده‌شده که پلیس را در جریان قرار داده و حساب‌ها را مسدود کرده بود، در میان گذاشته شد، او احتمال همدستی پسر خود را دور از ذهن ندانست و مأموران را برای دستگیری او راهنمایی کرد.

پسر جوان که در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد اطراف تهران حضور داشت، پس از دستگیری منکر همکاری خود با آدم‌ربایان شد و گفت: همان‌طور که به پدرم گفتم من وقتی شیشه مصرف می‌کردیم به دو نفر از دوستانم گفتم عمویم پولدار است و من مدتی در حجره او کار می‌کردم و او ۸۰ میلیون تومان به من بدهکار است؛ زمانی که آنها در مورد مقدار دارایی عمویم و زمان خروج او از خانه از من پرسیدند، اصلا فکر نمی‌کردم آنها چه قصدی در سرشان است، من اصلا نمی‌خواستم به عمویم صدمه برسد فقط داشتم با آنها درددل می‌کردم.

با این گفته‌های برادرزاده مرد ربوده‌شده سرنخ‌های جدیدی از ربایندگان به دست آمد و شناسایی آنها در دستور کار پلیس قرار گرفت. در نهایت با سرنخ‌های جدید، دو مرد متهم و زن جوانی که با آنها همدست بوده است، هفته گذشته دستگیر شدند. سه متهم در بازجویی‌ها به صراحت به جرم آدم‌ربایی و آزار گروگان خود اعتراف کردند اما آنها اظهارات متفاوتی با برادرزاده مرد ربوده‌شده داشتند و گفتند او بوده که آنها را تشویق به آدم‌ربایی کرده است.

دختر جوانی که در این پرونده دستگیر شده است دراین‌باره به بازپرس، آرش سیفی، گفت: من هنرمند و نقاش هستم. در خیابان با حمید آشنا شدم و او پس از مدتی به من وعده ازدواج داد اما من زیاد مایل به این کار نبودم تا اینکه مدتی قبل او ماجرای طلبش از عمویش و ربودن او را با من مطرح کرد و گفت اگر کمکش کنم پول خوبی به من می‌دهد، من ابتدا قصد همکاری نداشتم اما او گفت فقط من باید به بانک یا مغازه طلافروشی بروم و خطری من را تهدید نمی‌کند به‌همین‌دلیل موافقت کردم. من هیچ دخالتی در آزار مرد ربوده‌شده نداشتم و همدستانم وقتی دیدند حساب‌ها مسدود است و حال گروگان هم به خاطر آمپولی که به او زده‌اند بد است، تصمیم گرفتند او را رها کنند.

سیفی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران، دستور بازداشت موقت همه متهمان را صادر کرد و از مأموران خواست ادعای متهمان را مورد بررسی قرار دهند.

۱۴۰ میلیون تومان تا زنده‌ماندن امیرعلی

تسنیم: امیرعلی شش‌ساله برای پیوند مغز استخوان فقط چند روز وقت دارد، تنها، بافت خون یک نفر با بافت خون این کودک مشابه شده و هزینه انتقال خون این فرد به کشور ۱۴۰ میلیون تومان برآورد شده است اما پدر امیرعلی توانایی پرداخت چنین هزینه‌ای را ندارد. «کاری کنید که دیگر بیمارستان نروم» این جمله‌ای است که امیرعلی شش‌ساله می‌گوید؛ کودکی که به جای شور و شعف کودکانه و لذت‌بردن از بازی‌های کودکانه از بیمارستان‌رفتن خسته شده و خانواده او دیگر تحمل بی‌قراری فرزند دلبندشان را ندارند. ماجرا از زمانی شروع شد که امیرعلی چهار سال داشت، پدرش می‌گوید: «پس از اینکه امیرعلی یک بار خون دماغ شد، متوجه بیماری فرزندمان شدیم»، بیماری‌ای که در ابتدا گمان نمی‌رفت بیماری خاصی باشد اما پس از مدتی و با انجام آزمایش‌های بیشتر، ماهیت این بیماری نمایان شد و شادی کودکانه را از چهره امیرعلی گرفت. پدر و مادر امیرعلی در یک خانه کوچک استیجاری در روستای گلحصار (قوچ‌حصار) از توابع کهریزک ساکن هستند. پدر امیرعلی کارگر یک کارخانه رنگرزی است و با حقوق کارگری، گذران امور می‌کند؛ او با همین حقوق کارگری مجبور است هزینه تحصیل پسر دانشجویش را بدهد و با تهیه جهیزیه دخترش را به خانه بخت بفرستد، او حتی مجبور شده به خاطر مراقبت از فرزندش در شیفت شب مشغول به کار شود اما هزینه درمان امیرعلی آن‌قدر سنگین بوده که دیگر توانایی پرداخت این هزینه‌های سرسام‌آور را ندارد. پدر امیرعلی می‌گوید: «از زمانی که متوجه بیماری امیرعلی شدیم، به دفعات او را به بیمارستان بردیم، زمانی که خون از دماغ امیرعلی می‌آید، شدت خون‌ریزی به حدی است که تمام توان پسرم را می‌گیرد و امیرعلی باید سه ساعت با این خون‌ریزی دست و پنجه نرم کند، در نهایت باید او را به بیمارستان ببریم و به او پلاکت تزریق کنند، پسرم از چهارسالگی تا امروز درگیر بیماری «آنمی فانکونی» شده و فقط یک راه باقی مانده تا از شر آن خلاص شود و آن عمل پیوند مغز استخوان است».

خانواده امیرعلی در ادامه روند پیگیری درمان کودک، به بانک خون بیمارستان شریعتی مراجعه کردند اما متأسفانه پس از بررسی مشخص شد داخل کشور تاکنون دهنده‌ای یافت نشده است که نوع بافت خون وی با خون امیرعلی تطبیق داشته باشد و پیوند مغز استخوان صورت بگیرد اما پس از استعلام صورت‌گرفته در بیمارستان کشورهای مختلف اکنون یک بیمارستان در کشور آمریکا اعلام کرده که دهنده وجود دارد که بافت خون وی با بافت خون امیرعلی تطبیق دارد.

اما تمام مشکل با پیداشدن بافت خون مشابه با امیرعلی حل نشده است؛ بیمارستانی که انتقال باید از آن انجام شود، هزینه انجام این نقل و انتقال را رقمی حدود ۱۴۰ میلیون تومان اعلام کرده است اما خانواده امیرعلی به هیچ‌وجه توانایی پرداخت چنین هزینه‌ای را ندارد. نکته قابل‌توجه دیگر این است که فقط در تاریخ‌های یکم، چهارم و هشتم آبان‌ماه سال جاری بیمارستان شریعتی شرایط انجام عمل پیوند مغز استخوان امیرعلی را دارد و در صورتی که این هزینه جمع‌آوری و در تاریخ‌های مذکور عمل انجام نشود، وضعیت امیرعلی به مراتب بد و بدتر می‌شود. شهروندان گرامی در صورت تمایل می‌توانند کمک‌های انسان‌دوستانه خود را به شماره حساب ۶۱۱۸۰۰۲۶۴۰۳۸۰۱ یا شماره کارت عابربانک ۶۲۱۹۸۶۱۰۳۵۹۶۳۹۰۸ به نام گل‌سارا عباسی؛ مادر امیرعلی واریز کنند. خاطرنشان می‌شود این شماره حساب، حسابی با دو امضا بین مادر امیرعلی و مددکار مؤسسه خیریه نیکان است و برای برداشت هرگونه وجه از این حساب به امضای دو طرف نیاز است.

همچنین با شماره تلفن ۰۹۳۵۲۱۹۹۹۶۴ آقای حق‌شناس به‌عنوان نماینده مؤسسه خیریه نیکان، امکان طرح سؤالات درباره بیماری و روند درمان امیرعلی نیز وجود دارد.

رفیق‌کشی به خاطر پایپ

شرق: پسر جوانی که در یک درگیری دوستش را به قتل رساند پای میز محاکمه ایستاد و از قتل دوستش ابراز پشیمانی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، در تابستان ۹۴، مأموران از درگیری منجر به قتل در یکی از پارک‌های لویزان تهران باخبر شدند. آنها پس از حضور در محل و تحقیقات اولیه متوجه شدند مقتول عباس، ۲۴ساله است که توسط دوستش مجید با ضربه چاقو به قتل رسیده است. در ادامه تحقیقات،؛ کارآگاهان مجید را که متواری بود شناسایی و مورد بازجویی قرار دادند. مجید ۲۲ساله به کارآگاهان گفت: به دلیل اختلافات مالی با عباس درگیر شدم و با چاقویی او را کشتم. به‌این‌ترتیب با توجه به شکایت اولیای‌دم با تکمیل پرونده کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی در اختیار شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی زالی قرار گرفت.

در این جلسه که روز گذشته برگزار شد ابتدا نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و پس از قرائت کیفرخواست، خواستار صدور حکم قانونی برای متهم شد. سپس پدر مقتول به عنوان ولی‌دم در برابر قضات ایستاد و از دادگاه قصاص متهم را تقاضا کرد. در ادامه جلسه مجید در جایگاه ویژه ایستاد و در دفاع از خود گفت: قبول دارم که عباس را به قتل رساندم اما قصد کشتن او را نداشتم. مدتی پیش مقداری پول به مقتول داده بودم تا برایم چیزی بخرد اما او طبق قرار رفتار نکرد و هربار که با او تماس می‌گرفتم، پاسخ تماس‌هایم را نمی‌داد.

او درباره روز حادثه گفت: آن روز از یکی از دوستان مشترکمان خواستم با عباس تماس بگیرد و از او بخواهد به پارک بیاید. شرب خمر کرده بودم و در حال خودم نبودم. عباس درحالی‌که در دستش پایپ بود به پارک آمد. هنگامی که می‌خواستم پایپ را از دست او بگیرم روی زمین افتاد و شکست. عباس خیلی عصبانی شد و فکر کرد از عمد این کار را کرده‌ام. در همان حین از او سراغ پولی را که به من بدهکار بود، گرفتم برای همین درگیری‌مان بالا گرفت. عباس به طرف من حمله کرد من هم چاقویی که لای بوته‌ها بود را برداشتم و یک ضربه به او زدم؛ عباس چند قدم برداشت و روی زمین افتاد. خیلی ترسیده بودم برای همین از آنجا متواری شدم.

مجید در پاسخ به این سؤال که از کجا می‌دانست چاقو لای بوته‌ها قرار دارد، گفت: چند روز قبل حادثه عباس این چاقو را به من داد و گفت این را پیش خودتی نگه‌دار اما من قبول نکردم. عباس هم چاقو را زیر بوته‌ها مخفی کرد. ما همیشه به آن پارک می‌رفتیم و در محل مشخصی می‌نشستیم. برای همین، آن روز می‌دانستم زیر بوته‌ای که کنارمان بود چاقو هست. هنگامی که عباس به من حمله کرد ترسیدم به من آسیب برساند و برای دفاع از خود چاقو را برداشتم اما در میان درگیری متوجه شدم لباس‌های عباس خونی شده است و کمی بعد دیدم که او روی زمین افتاد.

مجید در ادامه رسیدگی گفت: چون آن روز مقدار زیادی مشروبات الکلی مصرف کرده بودم دقیق نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد و چگونه چاقو به مقتول برخورد کرد. عباس یکی از دوستان قدیمی من بود و هرگز نمی‌خواستم به او آسیب برسانم و قصد کشتنش را نداشتم.

او در آخرین دفاعیاتش از خانواده مقتول خواست او را ببخشند و ادامه داد: هنگامی که این اتفاق افتاد سن کمی داشتم و جوانی کردم. حالا هم از مرگ عباس ناراحت هستم و پشیمانم.

در ادامه جلسه وکیل متهم در جایگاه قرار گرفت و دفاعیات خود را در دفاع از موکلش مطرح کرد.

با پایان گفته‌های اولیای‌دم، متهم و وکیل متهم، قضات ختم جلسه را اعلام کردند و برای صدور رأی وارد شور شدند.

ربودن بچه‌مدرسه‌ای به خاطر اختلافات مالی

میزان: فرمانده انتظامی شهرستان دلگان از عملیات موفقیت‌آمیز شناسایی و دستگیری عاملان آدم‌ربایی در کمتر از ۱۸ ساعت خبر داد. سرهنگ «غلامعلی قنبری» گفت: در پی وقوع آدم‌ربایی و ربوده‌شدن یک نوجوان در مسیر مدرسه، تیمی مجرب از مأموران پلیس آگاهی و اطلاعات برای شناسایی متهمان و آزادی گروگان تشکیل و بلافاصله کار خود را آغاز کردند. او افزود: با اقدامات فنی محل اختفای دو آدم‌ربا در یکی از نخلستان‌های شهرستان شناسایی شد. سرهنگ قنبری تصریح کرد: مأموران پس از عزیمت به منطقه موردنظر در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه موفق شدند آدم‌ربایان را که قصد فرار داشتند، دستگیر و گروگان را آزاد کنند. فرمانده انتظامی شهرستان دلگان در پایان با اشاره به اینکه متهمان، انگیزه این آدم‌ربایی را اختلافات مالی عنوان کردند، خاطرنشان کرد: اقتدار نیروی انتظامی مایه آرامش مردم و رعب و وحشت مجرمان است.

شرکت انتقال گاز ایران

مناقصه عمومی دو مرحله ای با ارزیابی کیفی

موضوع مناقصه: پیگرانی هوشمند خط لوله چهارم سراسری

شماره مجوز: ۱۳۹۶.۳۲۰۵

نوبت دوم

شرکت انتقال گاز ایران در نظر دارد پیگرانی هوشمند خط لوله چهارم سراسری را به پیمانکار واجد شرایط واگذر نماید. لذا از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی همراه با معرفی نامه به امور پیمانها مراجعه نمایند.

۱ - موضوع مناقصه : پیگرانی هوشمند خط لوله چهارم سراسری.

۲ - محل و زمان دریافت اسناد و تحویل پیشنهاد

۱.۲ محل دریافت اسناد : ایران - تهران - میدان هفت تیر - شرکت انتقال گاز ایران - پلاک ۲۷۳ - طبقه سوم - اتاق ۳۳۴ - امور پیمانها

۲.۲ آخرین مهلت دریافت اسناد : پایان وقت اداری ۹۶/۷/۳۰

۳.۲ آخرین مهلت تحویل پیشنهاد : پایان وقت اداری ۹۶/۸/۱۴ در مقابل اخذ رسید

۳-برآورد تقریبی : ۲.۰۴۱.۲۰۰ یورو

۴- نوع و مبلغ ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار : ۷۶.۳۹۰ یورو

۵- سایر شرایط متقاضیان شرکت در مناقصه

۱.۵ توانایی ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ قیمت پیشنهادی

۲.۵ الزام دارا بودن تکنولوژی

۳.۵ سوابق انجام کارهای مشابه

۶- اطلاعات کلی مناقصه در پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور و در سایت shana.ir موجود می باشد.

۷) جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۱۳۱۴۳۲۲-۸۸۸۳۱۰۴۶ تماس حاصل نمایید.

WWW.NIGC-NIGTC.IR WWW.SHANA.IR

روابط عمومی شرکت انتقال گاز ایران

حادثه‌ها

تقدیر از ۱۲۳ ماه تلاش رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ

● **شرق:** فرمانده انتظامی تهران بزرگ از تلاش‌های ۱۰ساله سردار محمدیان، رئیس‌سابق پلیس آگاهی، تشکر و قدردانی کرد. با حضور رئیس‌پلیس پایتخت از خدمات ۱۰ساله سردار محمدیان در پلیس آگاهی تهران بزرگ تجلیل شد. سردار محمدیان با حکم فرمانده ناجا به سمت فرمانده انتظامی البرز منصوب شد. رئیس سابق پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: بنده از سال ۸۶ در پلیس آگاهی ۱۲۳ ماه خدمت کردم این همان گذر عمرمان است که به چشم‌برهم‌زدنی می‌گذرد. از بدو حضورم وضعیت موجود و نحوه کار را مورد مطالعه قرار دادیم. محمدیان در ادامه افزود: با شرایط موجود که خیلی سخت بود، تأثیرگذار نبود بخواهیم تحولی ایجاد بشود باید یک رویکرد جدیدی را اتخاذ می‌کردیم تا بتوانیم هم با باندهای تبهکاری مقابله کنیم و هم آمار را کاهش دهیم. ازاین‌رو پیشنهاد اقدامات اطلاعاتی درباره جرائم سازمان‌یافته را در دستور کار قرار دادیم؛ معتقد بودیم باندهای مجرمانه تهران را که به صورت غده سرطانی هستند، باید یکجا بیرون بیاوریم. او افزود: این تغییرات شروع شد و الحمدلله احساس می‌کنیم بعد از دو سال یک اشراف نسبی روی جرم و مجرمان پیدا شد و بهره آن هم به پلیس رسید و هم کمک‌حال دستگاه قضا شده است. محمدیان ادامه داد: به لطف خدا هم‌اکنون همکاری خوبی بین پلیس و دستگاه قضا ایجاد شده است. با اقدامات پیش‌دستانه پلیس و همکاری خوب همکارانم در پلیس آگاهی موفق شدیم بسیاری از نقشه‌های انجام سرقت‌های مسلحانه و اوباش‌گری در پایتخت را قبل از وقوع جرم در نطفه خفه کنیم. رئیس سابق پلیس آگاهی پایتخت افزود: من صرفا سخنگوی مجموعه پلیس آگاهی بودم و همه تلاش‌ها مرهون جان‌فشانی‌های همکارانی بود که شاید هیچ وقت اسمی از آنها برده نشد. اما تلاش آنها بسیار قابل تقدیر است. سردار محمدیان گفت: امیدوارم تلاش‌های من و همکارانم در پلیس آگاهی باعث بالارفتن احساس امنیت و پایداری امنیت در تهران بزرگ باشد.

انهدام باند سارقان محموله فلزات

● **پلیس:** رئیس پلیس آگاهی استان مرکزی از دستگیری اعضای باند سارقان و اعتراف آنان به ۱۵ فقره سرقت از کامیون‌های باری در سه استان کشور خبر داد. سرهنگ «سیدنورالدین حسینی» در تشریح این خبر، گفت: در چند ماه گذشته با اعلام گزارش‌های سرقت محموله‌های فلزات خودروهای باری در سطح محورهای مواصلاتی استان، تیمی ویژه از کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی استان، مأمور رسیدگی به این موضوع شدند. این مقام انتظامی ادامه داد: در گام‌های نخست تحقیقات، کارآگاهان دریافتند سارقان برای گرفتارنشدن از شیوه‌های متعددی استفاده می‌کردند که سرانجام در فرایند تحقیقات فنی پلیس، سرنخ‌هایی از این افراد به دست آمد. سرهنگ حسینی تصریح کرد: در مراحل ابتدایی تحقیقات، دو نفر از سرکرده‌های باند مذکور از سوی پلیس آگاهی استان مورد شناسایی قرار گرفتند و در عملیاتی بهنگام دستگیر شدند و در بازجویی‌های فنی کارآگاهان اذعان کردند که به همراه سه نفر دیگر از همدستان خود اقدام به سرقت محموله فلزات کامیون‌های باری در محورهای مواصلاتی استان می‌کرده‌اند. وی یادآور شد: بلافاصله برنامه‌ریزی لازم برای دستگیری دیگر همدستان سرکرده‌های باند موردنظر آغاز شد و با به‌کارگیری تجهیزات نوین علمی و پیشرفته پلیس در مراحل رسیدگی به این پرونده، سه متهم دیگر این پرونده در عملیات‌هایی جداگانه دستگیر شدند. وی بیان کرد: در مراحل بازجویی‌ها، متهمان دستگیرشده به ۱۵ فقره سرقت محموله فلزات خودروهای مختلف باری در سطح محورهای مواصلاتی استان‌های مرکزی، قم و تهران اعتراف کردند. رئیس‌پلیس آگاهی استان مرکزی خاطرنشان کرد: در بازرسی از مخفیگاه متهمان پنج دستگاه انواع وسیله نقلیه نیز که در امر سرقت، تخلیه و جابه‌جایی اموال مسروقه استفاده می‌شد، توقیف شد. سرهنگ حسینی در پایان با قدردانی از مشارکت فراگیر شهروندان در اجرای مأموریت‌های مختلف پلیسی افزود: متهمان دستگیرشده پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به دستگاه قضائی معرفی شدند.

راز قتل معلم نظرآبادی برملا شد

● **ایرنا:** دادستان عمومی و انقلاب شهرستان نظرآباد در استان البرز گفت معلم خانمی که بهمن‌ماه سال گذشته مفقود شده بود، به قتل رسیده و قاتل نیز دستگیر شده است. محمد قیومی افزود: بهمن ماه گذشته فردی با مراجعه به یکی از کلانتری‌های نظرآباد اعلام کرده بود که همسرش مفقود شده است. قیومی گفت: پس از اعلام مفقودی و با توجه به اقدامات فنی انجام‌شده چندین نفر بازداشت شدند. وی گفت: با تلاش و پیگیری دستگاه قضا و نیروی انتظامی درخصوص پرونده قتل خانم معلم، قاتل شناسایی شد و به قتل و سرقت طلاهای مقتول اعتراف کرده است. وی افزود: قاتل در دو ماه گذشته به محل دفن مقتول مراجعه و استخوان‌های بزرگ جسد را از آنجا منتقل می‌کند. دادستان عمومی و انقلاب نظرآباد گفت: بقایای جسد زن از جمله موهای سر و بخش‌هایی از استخوان‌های دست و پا در محل حادثه کشف شده است.

رخداد

کشته‌شدن یک قاچاقچی مسلح

● **میزان:** فرمانده انتظامی استان سیستان‌وبلوچستان از انهدام یک باند بزرگ مواد مخدر و هلاکت یک قاچاقچی مسلح و کشف یک‌تن‌و ۳۰۴ کیلوگرم مواد مخدر خبر داد. سردار محمد قنبری گفت: در جریان اقدامات اطلاعاتی بلندمدت، مأموران انتظامی شهرستان‌های سراوان و ایرانشهر با پشتیبانی اطلاعاتی و حضور پلیس مبارزه با مواد مخدر استان از فعالیت قاچاقچیان مسلح با استفاده از خودروهای کوهستانی در جابه‌جایی مواد مخدر، مطلع شدند. وی افزود: پس از هفته‌ها تلاش و اقدامات شبانه‌روزی، شب گذشته سه دستگاه خودروی تویوتا متعلق به اعضای این باند در محورهای فرعی جنوب استان شناسایی شدند و به‌طور نامحسوس تحت کنترل قرار گرفتند. این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: قاچاقچیان مسلح پس از ورود به کمین یگان‌های عملیاتی پلیس، به صورت مسلحانه با آنها درگیر می‌شوند و پس از یک ساعت درگیری مسلحانه شدید، یک قاچاقچی به هلاکت رسیده و سه سوداگر مرگ نیز دراین‌باره دستگیر می‌شوند. سردار قنبری با اشاره به پاک‌سازی منطقه درگیری، گفت: مأموران در بازرسی از خودروهای به‌جامانده از قاچاقچیان ضمن کشف دو قبضه سلاح کلاش و مهمات مربوطه یک‌تن‌و ۳۰۴ کیلوگرم مواد مخدر از نوع تریاک را کشف کردند. فرمانده انتظامی سیستان‌وبلوچستان در پایان سخنان خود خاطرنشان کرد: امروز با اشراف اطلاعاتی پلیس در تمام نقاط استان، هیچ نقطه امنی برای سوداگران مرگ و مخلان نظم و امنیت جامعه وجود ندارد.

باند سارقان طلای کیفی دستگیر شدند

● **ایرنا:** رئیس پلیس پایتخت روز یکشنبه از دستگیری اعضای باند هشت‌نفره سارقان طلا کیفی خبر داد و گفت: اعضای این باند دارای سوابق متعدد کیفری در زمینه سرقت مسلحانه، سرقت به‌عنف و شرارت هستند. به گزارش روز یکشنبه ایرنا از پایگاه خبری پلیس، سردار حسین رحیمی افزود: در پی وقوع سرقت‌های به‌عنف طلا کیفی در سطح شهر تهران و بازار زرگران به شیوه زورگیری و ضرب‌وجرح مال‌باختگان موضوع در دستور کار قرار گرفت. او با اشاره به اینکه با توجه به حساسیت موضوع، مراتب در دستور کار پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار داده شد، افزود: با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص شد سارقان زورگیر، خریداران و فروشندگان طلا و مسکوکات را که از شهرهای مختلف کشور به بازار تهران مراجعه و طلاها و سنگ‌های قیمتی خود را با کیف جابه‌جا می‌کردند؛ شناسایی و تعقیب کرده و در یک فرصت مناسب با توسل به زور و بعضا مجروح‌کردن آنها اقدام به سرقت کیف حاوی طلاجات آنها می‌کردند. رئیس پلیس پایتخت اظهار کرد: با پایش‌های تخصصی صورت‌گرفته مشخص شد تعدادی از سارقان حرفه‌ای سابقه‌دار پس از رهایی از زندان به سرکردگی فردی به نام «غلام - ش» اقدام به تشکیل باند کرده و علاوه بر سرقت‌های طلا کیفی به صورت گسترده سرقت دلار و ارز خارجی هم می‌کنند. سردار رحیمی با اشاره به اینکه با اقدامات اطلاعاتی و تلاش‌های صورت‌گرفته هشت نفر از اعضای این باند دستگیر شدند، تصریح کرد: افراد دستگیرشده دارای سوابق متعدد کیفری در زمینه سرقت مسلحانه، سرقت به عنف و شرارت هستند.

مرگ خاموش نوزاد ۳ ماهه

● **میزان:** فرمانده انتظامی شهرستان سنندج از مرگ یک نوزاد سه‌ماهه بر اثر گازگرفتگی خبر داد. سرهنگ حمیدرضا اکبری گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر انتقال یک مورد مرگ مشکوک به بیمارستان، بلافاصله واحد گشت خودرویی کلانتری ۱۲ به محل اعزام شد. او افزود: در بررسی مأموران و تحقیق از پزشکی قانونی مشخص شد جسد مربوط به یک نوزاد سه‌ماهه است که بر اثر استنشاق گاز منواکسیدکربن دچار خفگی شده و جان خود را از دست داده است. سرهنگ اکبری خاطر نشان کرد: احتمالا والدین این نوزاد با برودت هوا اقدام به نصب زودهنگام بخاری کرده و بدون بازدید لوله و اتصالات دودکش، برای گرم نگه‌داشتن نوزاد خود، جای خواب او را در نزدیکی بخاری جانمایی کردند و متأسفانه متوجه نشت گاز نشدند و نهایتا در لحظه آخر با جسم نیمه‌جان نوزاد مواجه شده و او را به بیمارستان انتقال داده‌اند.